

فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: سی و یکم - بهار ۱۳۹۶

از صفحه ۴۹ تا ۶۵

بررسی تطبیقی تمثیل در اشعار محمود درویش و سید حسن حسینی*

لیلا رنجبر^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

ماندانا علیمی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

چکیده:

در این پژوهش شعر این دو شاعر در مبحث ادبیات اعتراض مورد تجزیه و تحلیل و شباهت‌ها و تفاوت‌های مفهومی و کلامی آنان مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد. موضوعاتی که به صورت تمثیلی در شعر سید حسن حسینی شامل مسائل اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. از قبیل فراموشی آرمان‌های انقلاب، کم‌رنگ شدن ارزش‌های انسانی و معنوی و اعتراض به خود از نمونه‌های موضوعات نمادین اعتراضی وی هستند. شیوه بیان اعتراض در اشعار حسینی بیشتر طنز، سوگ‌سروده، مدح و حسرت است. موضوعات تمثیلی مورد اعتراض در اشعار محمود درویش، اعتراض به دشمن غاصب، فراموشی گذشته و سکوت و سکون مردم جهان و خود اعراب نسبت به مسئله فلسطین است. در آثار محمود درویش همه اعتراض‌ها حول محور وطن شکل می‌گیرد. شیوه بیان وی در سروده‌های نمادین اعتراضی‌اش، تهدید، پرسش، سوگ‌سروده و حسرت است. حسینی و درویش هر دو شاعر اجتماع خود و دردهای مشترک ملی هستند، اگر چه درویش به دلیل وابستگی نژادی به اعراب، اجتماع بزرگ‌تری را در سروده‌هایش مدنظر دارد.

کلیدواژه‌ها: سید حسن حسینی، محمود درویش، ادبیات پایداری، تمثیل، شعر اعتراض

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲۵

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: Mandana_alimi@yahoo.com

مقدمه

ادبیات، آیینۀ اندیشه‌ها، عاطفه‌ها، خواسته‌ها، گرایش‌ها و آرمان‌های یک ملت و بیانگر خوبی‌ها و بدی‌های آن جامعه است. ادبیات هر ملتی بر اساس جغرافیای فرهنگی، انسانی، زمینی و سیاسی شکل می‌گیرد. ادبیات پایداری نیز که بخشی از ادبیات جهان است، در آثار همه ملل دیده می‌شود. ویژگی‌های مشترک در بین ملت‌ها باعث می‌شود تا ادبیات پایداری که دارای مضامین مشترک باشد. در بین ملت‌ها رواج یابد، انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن هشت سال دفاع مقدس، تأثیر عمیقی بر تمام لایه‌ها و عرصه‌های زندگی ملت ایران نهاد. و به دنبال آن فصل جدیدی را در ادبیات پایداری ایران گشود. شعر مقاومت فلسطین، نیز بعد از غصب فلسطین به دست رژیم صهیونیستی، آغازگر شعر پایداری معاصر عرب شد.

شعر اعتراض که زیرمجموعه ادبیات پایداری محسوب می‌شود؛ یکی از گونه‌های شعری مطرح در ادبیات پایداری است که با روحیه و فرهنگ حاکم بر این نوع ادبیات همخوانی دارد. شاعران زیادی در ادبیات پایداری دو کشور ایران و فلسطین، اشعارشان آکنده از فضای انتقادی و فریاد بلند اعتراض است. در بین شاعران ایرانی ادبیات دفاع مقدس، سید حسن حسینی بیش از همه در این فضا شعر سروده است. و از این نظر جزو شاعران طلایه‌دار ادبیات دفاع مقدس است. در بین شاعران فلسطینی نام محمود درویش با نام وطنش عجین شده است و او را تمثیلی از ادبیات پایداری عرب و به خصوص فلسطین می‌دانند. از این رو بر آن شدیم تا شعر این دو شاعر را از منظر جدیدی مورد بررسی و تطبیق قرار دهیم تا اشتراکات و افتراقات دو شاعر و به تبع آن شعر پایداری ایران و فلسطین در زمینه شعر اعتراض مشخص گردد.

پیشینه تحقیق

بررسی تمثیلی شعر اعتراض در ادبیات معاصر و تطبیق آن با ادبیات پایداری فلسطین تا به امروز انجام نشده است. البته به طور جداگانه و به صورت محدود پژوهش‌هایی در رابطه با بررسی شعر اعتراض در ادبیات دفاع مقدس انجام شده است. با این حال، آثار خوبی در رابطه با ادبیات دفاع مقدس و ادبیات پایداری فلسطین تا به امروز چاپ شده است که در لابلای آن

می‌توان نکاتی در مورد موسی (۱۳۸۱)، از سرود باران تا مزامیر گل سرخ (پیشگامان شعر امروز عرب) چاپ اول، تهران: سخن نام برد.

در این کتاب، نگارنده کوشیده است جنبش پیشگام شعر معاصر عرب و سرایندگان آن را با نمونه‌های گوناگونی از اشعار، معرفی نماید. یکی از شاعران مطرح در این کتاب که نگارنده به آن پرداخته است، محمود درویش است.

بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲)، حماسه‌های همیشه (دفاع مقدس در شعر شاعران، زندگی‌نامه، شعر، نگاه، نقد و نظر)، جلد اول و دوم و سوم، تهران: نشر تهران‌گستر.

در این کتاب نگارنده سعی کرده است تا به شعر تعدادی از شاعران مطرح دفاع مقدس بپردازد و آثار آنان را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد اول و دوم و سوم، تهران: نشر پالیزان.

کتاب سه گانه نویسنده درباره ادبیات منظوم دفاع مقدس، در هر یک از کتاب‌ها به یک بخش از ادبیات پایداری می‌پردازد. در بخش اول به ادبیات پایداری در تاریخ ادبیات نگاهی می‌اندازد و سیر تاریخی آن را نشان می‌دهد. در کتاب دوم به آفاق شعر دفاع مقدس و ویژگی‌های کلی شعر دفاع مقدس می‌پردازد. در کتاب سوم نیز تمایل سبک‌شناسانه، بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها را بررسی می‌کند. در مجموع این سه کتاب، یکی از بهترین آثار تحقیقی در زمینه شعر دفاع مقدس است.

میرجعفری، سید اکبر (۱۳۷۶) حرفی از جنس زمان (تأملی در شعر انقلاب اسلامی)، تهران: نشر قو.

در این کتاب، نویسنده مبانی و جایگاه شعر انقلاب را تبیین می‌کند و فرایند رو به رشد و دلایل ضعف و قوت شعر این دوره را مورد بررسی قرار می‌دهد.

میرقادری، سید فضل‌الله (۱۳۸۵)، شعر تأملی در ادبیات عربی معاصر، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.

در این کتاب، نویسنده به ادبیات معاصر عرب می‌پردازد. آغازگران شعر نو و دلایل ایجاد

ادبیات جدید در میان اعراب و گسترش دهندگان این نوع ادبیات، از مطالب آن است. نقاش، رجاء (۱۹۷۱)، محمود درویش شاعر الأرض المحتلّة، الطبعه الثانيه، دار الهلال. در این کتاب به زندگی و آثار اولیه محمود درویش پرداخته شده است و از او به عنوان شاعر مقاومت یاد شده است.

مقاله‌ها

سبزواری، حمید (۱۳۸۱)، تأثیر ادبیات پایداری فلسطین بر ادبیات انقلاب اسلامی ایران در گفت‌وگو با شاعران معاصر ایران، بوستان ادب حضور، شماره ۴۰.

حمید سبزواری خود از شاعران شعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. در این گفت‌وگو که به صورت مقاله نیز درآمده است، او ارتباط و تأثیر انقلاب اسلامی ایران را بر ادبیات پایداری فلسطین و مقاومت مردم فلسطین و به خصوص قیام انتفاضه را در ادبیات پایداری و به طور ویژه ادبیات دفاع مقدس، مورد بررسی قرار داده است.

محسنی، علی‌اکبر و امیریان، طیبه (۱۳۹۰)، بررسی اندیشه مرگ و زندگی در شعر محمود درویش، فصل‌نامه نقد و ادبیات تطبیقی (پژوهش‌های زبان و ادبیات عرب) سال اول، شماره ۱، صص ۴۶-۷۴.

در این مقاله نویسندگان به مفهوم مرگ و زندگی از منظر محمود درویش پرداخته‌اند و ارتباط این دو مفهوم را با اندیشه‌های پایداری که در اشعار او هویداست، مورد بررسی قرار داده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت آن کتابخانه‌ای است. مطالعه کتاب، مجله، مقاله، پایان‌نامه و سایت‌های معتبر و وبگاه‌های شخصی شاعران از جمله منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بود که در این نوع تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

اعتراض به جابجایی ارزش‌ها و به عنوان تمثیلی از کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی

انقلاب اسلامی ایران با خود ارزش‌های تازه‌ای به همراه آورد و بسیاری از ارزش‌های کم‌رنگ در سطح جامعه چون گذشت، ایثار و فداکاری را دوباره زنده کرد. با گذشت چند سال از انقلاب، به خصوص از دهه دوم به بعد، بسیاری از ارزش‌های انقلابی فراموش شد و جای بسیاری از ارزش‌ها با ضدارزش‌ها جابجا گردید. در شعر سید حسن حسینی، اعتراض به این مسئله، طیف گسترده‌ای از ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد، که به طور خلاصه به آن اشاره خواهیم کرد.

عدم ساده‌زیستی و ارزشمند شدن تجمل‌گرایی تمثیلی از ارزش‌های کاذب

ساده‌زیستی که یکی از اهداف انقلاب و در سال‌های اولیه دهه اول انقلاب، به شدت مورد توجه بود، در سال‌های بعد، به خصوص در دهه دوم و سوم، به کناری گذاشته شد. و تجمل‌پرستی در همه ارکان اجتماع، جای‌گزین آن شد؛ به گونه‌ای که در طیفی از جامعه داشتن ثروت، برابر با هویت و شخصیت اجتماعی قرار گرفت. هم‌چنین به دلیل عدم ساده‌زیستی، حرص و طمع برای به دست آوردن زندگی مادی بهتر که زائیده زندگی تجمل‌گرایانه است، هم در جامعه افزایش یافت. او این مسئله را در سطح کل جامعه مورد انتقاد قرار می‌دهد. و از این‌که ملاک شناخت انسان‌ها و احترام به آنان از اخلاق‌گرایی به تجمل‌گرایی تغییر کرده است، و هم‌چنین به حرص و طمع ناشی از این تجمل‌گرایی اعتراض می‌کند.

ماجرا این است کم کم کمیت بالا گرفت جای ارزش‌های ما را عرضه کالا گرفت
احترام یا علی در ذهن بازوها شکست دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست

(همان: ۱۴۸)

از حرص دچار وهم‌ناکی شده‌ایم آغشته به خون هر چه پاکی شده‌ایم

آیینۀ آسمان غبارآلود است بدجور شبیه کرم خاکی شده‌ایم

(همان: ۱۶۴)

نسیم را/ با خط‌کش می‌سنجند/ سلامشان/ بوی عدد می‌دهد/ و بدرودشان/ شمارش معکوس است/ ...صرفه‌جویانه/ سر می‌زنند/ و حال تو را/ از حساب‌های جاری می‌پرسند/ صرافان بی‌مغازه/ همه جا می‌گردند/ و مدام/ تو را در احتمال‌های طلایی/ ضرب می‌کنند.
(همان، ۱۳۱۶: ۴۶-۴۵)

تملق و چاپلوسی به عنوان تمثیلی از اعتراض

ارزش‌های انقلابی چون حقیقت‌گویی و عیب برشمردن بزرگان، صاحب‌منصبان، مدیران و نخبگان اجتماعی اعم از هنرمند و سیاست‌مدار برای بهتر شدن و اصلاح جامعه در این دوره تبدیل به تملق و چاپلوسی شده حسینی نیز با توجه به خصوصیات اخلاقی خود، این نوع رفتار را حتی اگر در حق خود او باشد، بر نمی‌تابد و آن را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد.

نگرانم هم از نگاه شما	هم از دیدار گاه‌گاه شما
چه کنم؟ بوی خار می‌شنوم	از گل و سبزه و گیاه شما
گوش یکرنگی‌ام نمی‌جوشد	با هیاهوی راه‌راه شما
هیق‌هیق تلخ من نمی‌خواند	با شکرخند و قاه‌قاه شما

(همان: ۲۹-۲۸)

سالکا! کام تو شیرین و سلوک تو متین	از بخارای تملق به سمرقند شدن!
سفر از جاده آماده ابریشم کن	سودها دارد ازین راه خوشایند شدن!

(همان: ۹۰)

روح سرمایه‌داری حاکم بر جامعه و تمثیلی از بی‌توجهی به بیچارگان

سرمایه‌داری و نفوذ و قدرت سرمایه‌داران، که در اوایل انقلاب به شدت کاهش یافته بود، در دهه دوم انقلاب دوباره سر برآورد و دامن بسیاری از نخبگان جامعه را گرفت. این نفوذ و قدرت، نه تنها در دنیای سیاست بلکه در عرصه فرهنگ نیز نفوذ کرد، به گونه‌ای که درباره تفاوت ادبیات جنگ و ادبیات پس از جنگ، حسینی می‌نویسد: «شعر جنگ در وجه غالب

خود، خودجوش و «بی‌غرض» است. بر شعر جنگ سایه «سکه» و «کنگره‌های سالانه» سنگینی نمی‌کند» (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵). تسلط روح سرمایه‌داری بر جامعه، حسینی را که روحیه معترضی دارد، به فریاد بر می‌آورد. به‌گونه‌ای که بسیاری از هایکوه‌های اعتراضی خود را در کتاب «نوش‌داروی طرح ژنریک» به این موضوع اختصاص می‌دهد. او همچنین نسبت به تجمل‌گرایی مسئولان که ریشه در غلبه سرمایه‌داری بر فضای جامعه است، هشدار می‌دهد.

اندک اندک قلب‌ها با زرپرستی خو گرفت * در هوای سیم و زر گنبد و کم کم بو گرفت
غالباً قومی که از جان، زرپرستی می‌کنند * زمرة بیچارگان را سرپرستی می‌کنند!
سرپرست زرپرست و زرپرست سرپرست * لنگی این قافله تا صبح‌گاه محشر است
از همان آغاز دست کج‌روی‌ها پا گرفت * روح تاجرپیشگی در کالبدها جا گرفت
کارگردانان بازی باز با ما جر زدند * پنج نوبت را به نام کاسب و تاجر زدند
(همان: ۴-۱۵۰)

تاجری در خم شد/ عارفی بازاری/ در همان منزل اول گم شد/ کرامات/ عارفی وارونه حس
می‌کرد/ و کرامات غریبی هم داشت/ مثلاً تشت طلا را/ لگن مس می‌کرد! (همان، ۱۳۸۵: ۳۱)

فاصله افتادن بین نیروهای انقلابی به عنوان تمثیلی از بی‌ارزشی نیروها

بعد از پایان یافتن جنگ، نیروهای انقلابی که حضوری مستمر در حوزه دفاع مقدس، داشتند، هر یک راهی را برگزیدند که در نهایت منجر به جدایی بعضی از این گروه‌ها از یکدیگر شد، تا جایی که بعضی از آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و اندیشه‌ها و افعال‌شان که در تناقض با یکدیگر بود، باعث گرفتن انگشت اتهام به سوی یکدیگر شد. در چنین فضایی، سانسور دیگران و خود سانسوری گسترش یافت. بسیاری از شاعران این حوزه، از نیروهای انقلابی دیگر به دلیل سانسور افکار و وقایع تاریخی انقلاب، به خصوص زمان جنگ، به شدت انتقاد می‌کردند. حسینی که خود، از تلاش‌گران این عرصه بود، نسبت به این اختلافات و تیغ تیز ممیزی بر اندیشه شاعران این حوزه اعتراض می‌کند.

گروهی که رنگ تو را داشتند
 به شکلی کنایی، به لحن درو
 شکستند پیمانۀ سبز را
 دلم را فراز مزار خودم
 نکردند پروا، ز رویدنم
 مرا از کنار تو برداشتند
 کنار گلی کاغذی کاشتند
 هوا را ز پاییز انباشتند
 به نام تباهی برافراشتند
 مرا مثل خود مرده پنداشتند

(همان، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۰)

ناممکن است/ با واژه‌های نقاب‌دار/ از رازهای برهنه گفتن/ واژه‌های کتک خورده/ با
 زیرچشم‌های کبود/ و دست‌هایی که از تسمه‌های گره‌دار/ شلاق خورده‌اند/ به صدای بلند/ حتی
 عطسه‌ای رو به آفتاب/ ممکن نیست/ حتی آهی/ نه تنها فریاد/ که سکوت شمرده شمرده‌ات/
 برگی است/ که پرونده‌های مرگ‌زده را قطور می‌کند/ ناممکن است/ گل‌های قالی را/ در
 گلدان‌های خالی/ نهادن/ و پرونده‌های/ قاب شده را/ به بادهای موسمی/ هدیه دادن/ و از
 صفحه‌های سپید/ شعرهای نامکشوف را/ خواندن/ اینجا حتی/ ممکن/ ناممکن است/ و
 سکوت واجب! (همان، ۱۳۸۸: ۶۲-۶۰)

فراموشی آرمان‌های انقلاب و شهدای جنگ به عنوان تمثیلی از آرمان‌های ارزشمند

شاعران حوزه دفاع مقدس، در سال‌های پایانی جنگ متوجه کم‌رنگ شدن آرمان‌های انقلاب
 در فضای جامعه شدند و از همان زمان اعتراض خود را نسبت به این مسئله بیان کردند. با
 پایان جنگ و آغاز دهه دوم انقلاب، جامعه از آرمان‌ها و اهداف انقلاب فاصله گرفت و فضای
 جامعه به سوی مادی‌گرایی و بی‌توجهی به نام و یاد شهدا پیش رفت. در چنین موقعیتی
 حسینی، به همراه تعدادی از شاعران، در شعرهای خود این غفلت را یادآور شدند و به
 فراموشی روزهای جنگ، آرمان‌های انقلاب و فراموشی شهدا اعتراض کردند.
 چلچله‌ها/ از مرخصی/ بازنگشتند/ و سلسله سکون/ سنگین‌تر از همیشه/ فرود آمد؛/
 هجرت،/ بی‌اجازه/ میسر نیست؛/ آتش‌فشان‌ها/ گرفتار نقرسند/ و بادهای سر به زیر/ دستی به

شانه دریا/ نمی‌کشند./ چلچله‌ها/ از مرخصی/ بازنگشته‌اند/ و لانه‌های منتظرشان/ در طرح‌های توسعه، ویران شد. (همان، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۳)

جان ما در هجوم تن گم شد	گوهر پاک در لجن گم شد
حرف اصلی که در میان آمد	عالمی واژه در دهن گم شد
هوس از بطن آرزو زاید	کودک عشق در کفن گم شد
آرزو، باور مرا بلعید	گل من در دل چمن گم شد
نغمه‌هایی که آسمانی بود	در هیاهوی اهرمن گم شد
خار، خارِ غم خزان گل کرد	نرگس و یاس و نسترن گم شد

(همان، ۱۳۸۶: ۱۰۵-۱۰۴)

موارد اعتراض در شعر محمود درویش

اعتراض، بخش عمده‌ای از اشعار محمود درویش را در بر گرفته است. اغلب این اعتراض‌ها ریشه در مسئله فلسطین دارد که شعر او با آن عجین شده است. در ادامه به بررسی موردی این اعتراضات می‌پردازیم.

اعتراض تمثیلیه دشمن صهیونیزم

حضور دشمن صهیونیزم در خاک فلسطین و درگیری شصت ساله مردم فلسطین با آنان، فضایی را ایجاد کرد. که تمام شاعران فلسطینی یک پارچه به حضور آنان به شیوه‌های مختلف اعتراض کردند. محمود درویش که درد این تجاوز و از دست دادن خانه را از نزدیک لمس کرده بود، مانند تمام شاعران فلسطینی با خشم و درد نسبت به حضور آنان در خاک سرزمینش واکنش نشان می‌دهد. اعتراض به دشمن در شعر درویش به دو شکل دیده می‌شود. یکی به صورت آشکار که دشمن صهیونیزم را مخاطب قرار می‌دهد. و با خشم و نفرت با او سخن می‌گوید و او را تهدید می‌کند. و دیگر با نام بردن از وطنی که به اشغال او درآمده است. بزرگداشت وطن که دشمن آرزوی آن را دارد. که ساکنان قدیمی‌اش آن را به فراموشی

بسپارند. در شعر درویش، نوعی اعتراض به دشمن اشغالگر است.

بزرگداشت وطن به عنوان تمثیلی از ناسیونالیستی

وطن برای درویش تنها یادگاری از کودکی و نوستالوژی نیست. وطن برای او همه زندگی است. محمود حمود، پیوند معشوق و وطن را چنین تفسیر می‌کند: «راز شعری محمود درویش، وحدت وطن، عشق و شعر است، به گونه‌ای که گاه به جای هم می‌نشینند یا یکدیگر را تداعی می‌کنند. به طوری که در آن واحد جمال عشق و شعر و فلسطین با هم در می‌آمیزد، بی‌آن که میان این سه، فاصله و مرزی رخ نماید؛ زیرا میان آنان مرزی نیست. و ما آن را چون رایحه‌ای یگانه حس می‌کنیم.» (رضایی‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۰). از همین رو او وطن را معشوقی می‌داند که هرگز به آن خیانت نمی‌کند، فراموشش نمی‌کند و لحظه‌ای نامش از لبانش جدا نمی‌گردد. و این گونه چون خاری در چشم دشمن اشغالگر می‌شود:

بر شاخه‌های نخلم بیاویزید/ و مرا دار زنید ... نخل را خیانت نخواهم کرد!/ این سرزمین من است.../ و من در گذشته، خرسند و شیدا/ از شترها شیر می‌دوشیدم/ میهنم انبانی از داستان‌ها نیست/ خاطره نیست، باغ هلال‌ها نیست.../ وطنم خشم غریبی بر غم است.../ و توفان‌هایی است کز اتافک زندان به تنگ آمده.../ بر شاخه‌های نخلم بیاویزید/ و مرا دار زنید ... اما هرگز من ذلت و خواری را فرمان نخواهم برد! (درویش، ۱۳۵۸: ۹۳)

وطن برای درویش، فراتر از نام است. او وطن را با پوست و گوشت و خون خویش حس می‌کند، آن‌گونه که نقشه جغرافیایی وطن در قلب و روحش به یادگار مانده و او با تمام توان خود حتی در درون زندان، آن را بر دیوارها می‌کشد تا حضور وطنش را در جغرافیای جهان عینیت بخشد:

زادگاه محبوب/ زنجیرهایم درون من/ خشم عقاب و مهر انسان را می‌پرورند/ نمی‌دانستم که در زیر پوست/ پوست ما/ توفان‌ها تواند خاست/ و جویبارها تواند به هم پیوست.../ نقشه‌ات را با دندان‌هایم/ به روی دیوار کندم/ و سرود شب زودگذر را نوشتم. (همان، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۲)

«محمود درویش، علاقه فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را به زمین (فلسطین) مقایسه می‌کند و

معتقد است که فلسطینی‌ها، بی‌ریا عاشق این زمین‌اند و اسرائیلی‌ها به طور مصنوعی. به نظر او صهیونیست‌ها با این ذهنیت به فلسطین آمدند که کشور رویاهای روشنفکرانه خود را بجویند و شاید فکر می‌کردند، ورود به سرزمین موعود، حلال مشکلاتی که در اروپا با آن مواجهند، خواهد بود؛ اما درویش می‌گوید: ما این خانه را از تصورات اساطیری خود و یا از لابلای اوراق کهنه کتاب بیرون نکشیدیم و آن را خلق نکردیم. این زمین پدر و مادر ماست. آن را از بنگاه یا مغازه نخریدیم و محبت آن را به زور در دلمان جای ندادند. ما خود را مغز و نبض این زمین می‌دانیم. به این دلایل، اینجا از آن ماست و ما به آن تعلق داریم» (فرزاد، ۱۳۸۰: ۱۱۴-۱۱۳).

از آنجا می‌آیم و خاطراتی با خود دارم/ مانند آدمیان فانی، مادری دارم/ و خانه‌ای با پنجره‌های بیشمار/ برادران و دوستانی،/ و یک سلول زندان با پنجره‌ای سرد.../ تمام کلمات را آموختم و در هم شکستم/ تا از آنها یک کلمه بسازم: وطن! (درویش، ۱۳۸۰: ۳۶)

حتی اگر از این عشق و محبت نصیبی جز سختی نبرده باشم:
غیر از چوبه دار/ ای وطن عزیز،/ بگو که ز عشقت چه نصیبی بردم؟ (همان، ۱۳۵۷: ۴۸)

تفاوت‌ها و شباهت‌های موضوعات تمثیلی از انقلاب در اشعار حسینی و درویش

موضوعات مورد اعتراض در اشعار سید حسن حسینی و محمود درویش، گستره فراوانی از مفاهیم پایداری را در بر می‌گیرد. در این بخش به مقایسه موضوعات اعتراضی این دو شاعر ادبیات پایداری می‌پردازیم.

در شعر سید حسن حسینی، بیشترین اعتراض به مسائل اجتماعی دیده می‌شود. اغلب شاعران حوزه دفاع مقدس، از همان ابتدا توجه ویژه‌ای به مسائل اجتماعی داشتند؛ حسینی که شاعری مذهبی و انقلابی است، با توجه به زمینه‌های اجتماعی انقلاب، نسبت به مسائل اجتماعی عکس‌العمل نشان می‌دهد. اشعار اجتماعی او به خصوص در دهه دوم انقلاب، مشخص‌تر و پررنگ‌تر می‌شود. در سرتاسر اشعار این دهه، هم تفکر و هم مضامین اجتماعی را می‌توان دید. او تنها به لایه‌های سطحی جامعه اکتفا نمی‌کند، بلکه تمام تلاش خود را برای

یافتن لایه‌های زیرین تفکر، رفتار، آرزوها، غم‌ها، حسرت و شادی‌های اجتماع می‌کند. و در این امر موفق نیز می‌شود. گستردگی اندیشه اجتماعی او در شعرهای این دوره تا بدان‌جاست که وی از زبان معمول جامعه تأثیر می‌پذیرد و اشعارش پر است از کنایه‌ها، تعبیرات و واژگان روزانه مردم. حسینی شاعر دردهای اجتماع خود است، و به شعرهای اجتماعی جهانی پرداخته است. نکته مهم دیگر در پرداخت اندیشه‌های اجتماعی حسینی، نگاه‌های شخصی‌اش به نارسایی‌ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی و سیاسی است؛ اما این نگاه شخصی چنان وسیع و جامعه‌شمول است که می‌توان به همه افراد جامعه تعمیم داد. او بیش از همه به فقر شادی و صداقت، کم‌رنگ شدن ارزش‌های انسانی، فراموشی شهدا، تنگ‌نظری دوستان، تزویر، ریا و تملق به خصوص در عرصه دین و سیاست، و تسلط روح سرمایه‌داری در شعرهای اجتماعی خود می‌پردازد. حساسیت روح او در برابر دردهای اجتماع خود تا به آن اندازه است، که به عکس اغلب شاعران حوزه دفاع مقدس که نسبت به اتفاقات جهان اسلام، واکنش نشان می‌دهند، شعر خود را درگیر اجتماع دیگری نمی‌کند. شعر او، متعلق به مردم سرزمین خود اوست، که در کشاکش دردهای روزمره خود زندگی می‌کنند و شاعری از آنان و دردشان می‌سراید.

در شعر درویش، وطن و اعتراض به دشمن غاصب در اولویت است. برای او همه چیز، عشق، شعر، اعتراض، خشم، اندوه و ... تنها با وطن غصب شده معنا می‌گردد و شاید بهترین سخن را در این مورد نزار قبانی، شاعر مشهور معاصر عرب، درباره او گفته باشد که: «محمود درویش، شاعر مناسبی فلسطین نیست، خود فلسطین است با تمام زیتون‌زارها، تاکستان‌ها، دریا و پرتقالستان‌هایش... او نام فلسطین را بر سطح سیارات نوشته و از آنجا که شاعر بزرگ و بااستعدادی است، آرمان فلسطین در دست‌های او بزرگ شده است؛ این در حالی است که نام فلسطین در دست‌های دیگران کوچک شده است» (فرزاد، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

درویش هم همانند حسینی آنقدر درگیر درد جامعه خود است که اگر چه به زبان جهانی سخن می‌گوید اما تنها برای فلسطین شعر می‌گوید و اگر گریزی به دنیای خون‌آلود اطراف خود می‌اندازد. از منظر نگاه او به فلسطین است. مانند شعری که دو روستای «کفرقاسم» در

فلسطین و «قاین» در جنوب لبنان را در یک شعر ستایش می‌کند. از دیگر شباهت‌های موضوعی این دو شاعر، توجه آنها به شهدا است که هر دو از پاسداشت آنان، به عنوان سلاحی برای اعتراض استفاده می‌کنند. از تفاوت‌های این دو شاعر باید به اعتراض آشکار به دشمن اشاره کرد که در شعر درویش، حمله به دشمن آشکارتر و بی‌پروا تر است اما حسینی در اشعارش تنها چند بار به دشمن یعنی اشاره می‌کند. در شعر حسینی موضوعات اعتراضی گسترده‌تری دارد اما در شعر درویش، موضوعات اعتراضی دایره محدودتری دارند و بیشتر حول محور وطن می‌چرخند. دلیل این امر را باید در تفاوت جایگاه و فرهنگ حاکم بر ادبیات دفاع مقدس و ادبیات پایداری فلسطین دانست. از دیگر تفاوت‌های مهم میان موضوعات شعری شعر اعتراض این دو، توجه حسینی به مذهب و اعتراضات مذهبی چون اعتراض به انحراف و ... است، در حالی که شعر درویش از مناسبات مذهبی خالی است و مذهب در شعرهای اعتراض او جایگاهی ندارد. از سویی دیگر حس ناسیونالیستی درویش بسیار بیشتر از حسینی است. حسینی در اشعار اعتراضی خود به صورت محدود به ریشه فرهنگی و نژاد ایرانی خود می‌پردازد اما در شعرهای اعتراضی درویش، حس ناسیونالیستی آشکار است. دلیل این امر هم تقابل میان عرب و یهود در مسئله فلسطین و عدم تقابل اعراب و ایرانیان در جنگ هشت ساله است.

نتیجه

شعرنمادین اعتراض به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مهم ادبیات پایداری، گستره موضوعی و مفهومی بزرگی را در ادبیات دفاع مقدس و ادبیات پایداری فلسطین شامل می‌شود. بسیاری از شاعران این دو حوزه اشعارشان جزو برجسته‌ترین نمونه‌های شعر اعتراض معاصر ایران و عرب است. سید حسن حسینی و محمود درویش که دو چهره شناخته‌شده و شاخص ادبیات پایداری ایران و فلسطین هستند، با سروده‌های خود به گسترش مفاهیم و موضوعات تمثیلی شعر اعتراض کمک کردند. در آثار سید حسن حسینی مهم‌ترین موضوعات اعتراضی، مسائل اجتماعی است که بیشتر شامل حوزه فرهنگ، اخلاق و تربیت اجتماعی

می‌شود. از مسائل نمادین مورد اعتراض در شعر او این موارد را می‌توان نام برد. اعتراض به انحرافات و اتفاقات تاریخی تشیع، اعتراض به جابجایی ارزش‌ها و کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی که شامل اعتراض به عدم ساده‌زیستی و ارزش‌مند شدن تجمل‌گرایی و اعتراض به ریا و تزویر و تملق و چاپلوسی می‌شود. اعتراض به عشق‌های مجازی که جایگزین عشق‌های حقیقی شده‌اند، اعتراض به خود که به نوعی در فرایند تغییر خلق و خوی اجتماعی شریک شده است. و به دنیای پرزرق و برق وابسته‌تر شده است. اعتراض به دشمن خارجی و دشمن داخلی که به صورت محدود در آثاری که در دهه شصت چاپ شده است و شعرهای اوایل جنگ او مشاهده می‌شود. اعتراض به روح سرمایه‌داری حاکم بر جامعه، از دیگر اعتراض‌های گسترده او است. اعتراض به روشن‌فکر و شاعران گروه چپ که در شعرهای دوره اول وی دیده می‌شود. اعتراض به عافیت‌طلبان، اعتراض به فاصله افتادن بین نیروهای انقلابی، اعتراض به فراموشی آرمان‌های انقلاب و شهدای جنگ، اعتراض به فرصت‌طلبان و اعتراض به فقر اقتصادی در جامعه از موضوعات مهم دیگری است که سید حسن حسینی به آنها پرداخته است و بخش زیادی از اشعارش را در بر می‌گیرد. محمود درویش، به عنوان یکی از بزرگترین نمایندگان شعر مقاومت فلسطین، اشعار اعتراضی‌اش شامل طیف گسترده‌ای از موضوعات مهم مربوط به فلسطین می‌شود. با توجه به شرایط ویژه فلسطین، اعتراض درویش بیشتر مربوط به شرایط بیرونی است که از طرف دشمن صهیونیسم و کشورهای عربی بر آنان تحمیل شده است. از مهم‌ترین موضوعات نمادین اعتراض درویش به این موارد است. اعتراض به دشمن صهیونیسم که به صورت اعتراض آشکار و صریح و بزرگداشت وطن انجام می‌شود. درویش، بزرگ‌ترین رسالت خود را احیای هویت وطن قرار می‌دهد و بر همین اساس از شیوه بزرگداشت وطن در برابر دشمن غاصب برای اعتراض استفاده می‌کند. اعتراض به سکوت جهانی و سکوت و سکون کشورهای عربی از موضوعات مهم اعتراضی اوست. اعتراض به مجامع جهانی، اعتراض به سودجویی هم‌کمابیش در اشعار او دیده می‌شود. اعتراض به عدم آزادی که شامل آزادی فردی و اجتماعی و عدم آزادی بیان می‌شود، در آثار او دیده می‌شود. اعتراض به عدم خشم و احساس ستیز برخی از فلسطینیان و فراموشی گذشته و ناآگاهی

فلسطینیان نسل اول، از نوع اعتراض‌های به خودی و خود است که در آثار او فراوان است. شیوه اعتراض مشترک در شعر سید حسن حسینی و محمود درویش، حسرت، شکایت و سوگ‌واره است. هر دو شاعر از این ظرفیت‌ها سود می‌جویند و با شیوه‌ای خاص اعتراض خود را نسبت به مسائل بیان می‌کنند. پرکاربردترین شیوه بیان سید حسن حسینی طنز، مدح و حسرت است. همچنین طنز، ویژگی خاص حسینی است که در اشعار محمود درویش مشاهده نمی‌شود. پرکاربردترین شیوه بیان شعر اعتراض در آثار درویش، تهدید، سوگ‌سروده‌ها و حسرت است. شیوه بیان تهدید، ویژگی خاص درویش است که منبعث از شرایط خاص زندگی شاعر و فضای دوقطبی فلسطین است.

به طور کلی می‌توان گفت که سید حسن حسینی و محمود درویش، اگر چه متعلق به دو کشور مختلف و با دو پیشینه متفاوت ادبی، فرهنگی و اجتماعی هستند، اما شباهت‌های مفهومی و کلامی آثارشان در مبحث نمادین شعر اعتراض نشان می‌دهد که این دو شاعر از فضای حاکم بر ادبیات پایداری ایران و فلسطین سود برده‌اند و در بسیاری از مسائل با یکدیگر هم‌عقیده و هم‌کلام هستند. تفاوت‌های آنان را هم باید در تفاوت خصوصیات اخلاقی دو شاعر، محیط اجتماعی ناهمگون و تقابل شعر و مذهب-که برای هر یک به گونه‌ای رقم خورد، جستجو کرد.

منابع و مآخذ

۱. آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲. اصلانی، محمدرضا (۱۳۸۵)، فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، همدان: کاروان.
۳. بهبودی، هدایت (۱۳۷۳) «ادبیات انقلاب»، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، (۳-۵ دی ماه ۱۳۷۰)، تهران: نشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. بیدج، موسی (۱۳۸۰)، فراتر از میراث خون، تهران: پالیزان.
۵. ----- (۱۳۸۹)، مقاومت و پایداری در شعر عرب (از آغاز تا امروز)، تهران: بنیاد حفظ و آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۶. پاینده، حسین (۱۳۸۴)، محنت، نوستالژی و جست‌وجوی هویت؛ یادداشت‌هایی در حاشیه سفر به تاجیکستان، روزنامه شرق، ۲ و ۵ شهریور.

۷. پشندار، علی‌محمد (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز آزادگی و ادب اعتراض در شعر فارسی»، دو فصل‌نامه علوم ادبی، سال سوم، شماره پنجم، صص ۱۵۷-۱۷۲.
۸. تجلیل، جلیل (۱۳۷۳)، ویژگی‌هایی از شعر انقلاب اسلامی، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، (۵-۳ دی ماه ۱۳۷۰)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۹. ترابی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۴)، شکوه شقایق «نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس»، قم: سماء.
۱۰. حسینی، سید حسن (۱۳۶۵)، هم‌صدا با حلق اسماعیل، تهران: سوره مهر.
۱۱. ----- (۱۳۷۱)، گنجشک و جبرئیل، تهران: افق.
۱۲. ----- (۱۳۸۱)، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران: سوره مهر.
۱۳. ----- (۱۳۸۵)، از شرابه‌های روسری مادرم، تهران: انجمن شاعران ایران.
۱۴. ----- (۱۳۸۶)، سفرنامه گردباد، تهران: انجمن شاعران ایران.
۱۵. ----- (۱۳۸۷)، نوش داروی طرح ژنریک، تهران: سوره مهر. چ ششم.
۱۶. ----- (۱۳۸۸)، در ملکوت سکوت، تهران: انجمن شاعران ایران.
۱۷. درویش، محمود (۱۳۵۸)، آخر شب، ترجمه موسی اسوار، تهران: سروش.
۱۸. ----- (۱۳۶۳)، یادداشت‌های غم‌انگیز روزانه، برگردان امیره ضمیری، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
۱۹. ----- (۱۳۸۹)، اگر باران نیستی نازنین درخت باش، ترجمه موسی اسوار، تهران: سخن.
۲۰. ----- (۱۳۹۰) تابستان عاشقان، برگردان عبدالرضا رضایی‌نیا، تهران: فصل پنجم.
۲۱. ----- (۱۹۶۴)، اوراق الزیتون، بیروت: دارالعودة.
۲۲. ----- (۱۹۶۷)، آخر الیل، بیروت: دارالعودة.
۲۳. ----- (۱۹۷۰)، العصافیر تموت فی الجلیل، بیروت: دارالآداب.
۲۴. ----- (۲۰۰۰)، جداریه، بیروت: دارالعودة.
۲۵. -----، سمیح‌القاسم، فواز عید و ... (۱۳۸۰)، فراتر از میراث خون (شعر مقاومت فلسطین)، گردآورنده و مترجم موسی بیدج، تهران: پالیزان.
۲۶. -----، سمیح‌القاسم، توفیق زیاد و ... (۱۳۸۰)، تپه آویشن (مجموعه شعر هنر و ادب پایداری ملل ۱، شعر مقاومت فلسطین)، انتخاب اشعار و برگردان سیروس طاهباز، تهران: فرهنگ‌گستر.
۲۷. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، دگرگونی‌ها و ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی در یک نگاه، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، (۵-۳ دی ماه ۱۳۷۰)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۲۸. رضایی، احمد (۱۳۸۷)، نوستالوژی دلتنگی و حسرت عارفانه در شعر سال‌های نخستین پس از جنگ تحمیلی، کتاب ماه ادبیات (ویژه‌نامه بررسی ادبیات انقلاب اسلامی ۱) شماره ۲۲، بهمن.
۲۹. رضایی‌نیا، عبدالرضا (۱۳۸۶)، من یوسفم پدر، تهران: سروش.
۳۰. زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان ادبیات فارسی.
۳۱. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس ج ۱ (ادبیات پایداری در اسلام و ایران)، تهران: پالیزان.
۳۲. ----- (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۲ (آفاق شعر دفاع مقدس، ویژگی‌های کلی شعر دفاع مقدس)، تهران: پالیزان.
۳۳. ----- (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، ج ۳ (تمایل سبک‌شناسانه، بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها)، تهران: پالیزان.
۳۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۳۵. ----- (۱۳۸۰)، شعر معاصر عرب، تهران: سخن.
۳۶. صفارزاده، طاهره (۱۳۵۰)، شعر پالاینده است، مصاحبه با محمد حقوقی، مجله فردوسی.
۳۷. غنیمی، محمد (۱۳۷۳)، ادبیات تطبیقی، تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی، ترجمه، شرح و تعلیق، سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: امیرکبیر.
۳۸. فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۰)، رؤیا و کابوس، شعر پویای معاصر عرب، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۳۹. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۹۰)، ده شاعر انقلاب، تهران: سوره مهر.
۴۰. گلدمن، لوییس (۱۳۷۱) جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان)، ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر هوش و ابتکار.
۴۱. لنگرودی، شمس، (۱۳۷۷) تاریخ تحلیلی شعر نو، ج اول و دوم، تهران: مرکز. ج چهارم.
۴۲. موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۸۸)، دگرخند (درآمدی کوتاه بر طنز و هجو و هزل در تاریخ معاصر)، تهران: انجمن قلم ایران.
۴۳. ولک، رنه، اوستین وارن (۱۳۸۲) نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: شرکت علمی و فرهنگی. ج دوم.